پروردگارا، تسلیم تو شدم، به تو ایمان آوردم، به تو توکل نمودم و به تو روی آوردم. به کمک تو با دشمنان مبارزه کردم. و تو را حَکَم قرار دادم. پس گناهان اول و آخر و آشکار و پنهان مرا بیامرز. و آنچه تو در رابطه با آن از من آگاهتری. معبود بر حقی جز تو وجود ندارد.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز تهجد برمی خواست این دعا را می خواند: «اللهم ربَّنا لك الحمدُ، أنت قَيِّمُ السموات والأرض، ولك الحمدُ أنت ربُّ السموات والأرض ومَن فيهنَّ، ولك الحمدُ أنت نورُ السموات والأرض ومن فيهنَّ، أنت الحقُّ، وقولُك الحقُّ، ووعدُك الحقُّ، ولقاؤك الحقُّ، والجنةُ حقٌّ، والنارُ حقٌّ، والساعةُ حقٌّ، اللهم لك أسلمتُ، وبك آمنتُ، وعليك توكَّلتُ، وإليك خاصمتُ، وبك حاكمتُ، فاغفر لي ما قدَّمتُ وما أخَّرتُ، وأسررتُ وأعلنتُ، وما أنت أعلم به مني، لا إلهَ إلا أنت»: «پروردگارا، تمام تعریف ها از آنِ توست. محافظِ زمین و آسمان و آنچه در میان آنها وجود دارد، تو هستی. فقط تو شایسته ی حمد و ثنایی. پروردگار زمین و آسمان و آنچه میان شان وجود دارد، تو هستی. روشنی آسمان ها و زمین و آنچه میان شان وجود دارد، تو هستی. حمد، شایسته توست. تو بر حقی و سخنت حق است و وعده ات حق است؛ ملاقات تو حق است. بهشت تو حق، دوزخ تو حق و قیامت حق است. پروردگارا، تسلیم تو شدم، به تو ایمان آوردم، به تو توکل نمودم و به تو روی آوردم. به کمک تو با دشمنان مبارزه کردم. و تو را حَکَم قرار دادم. پس گناهان اول و آخر و آشکار و پنهان مرا بیامرز. و آنچه تو در رابطه با آن از من آگاهتری. معبود بر حقی جز تو وجود ندارد».

[صحیح است] [متفق علیه]

چون رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز شب بر می خواست پس از گفتن تکبیر تحریمه می فرمود: «اللهم ربَّنا لك الحمدُ»، یعنی: تمامی ستایش ها واجب و شایسته الله متعال است. و او به خاطر صفاتش، نامهایش، نعمت هایش، خلقت و افعال و نیز امر و حکمش ستایش می شود؛ و او در ابتدا و انتها و ظاهر و باطن محمود است. سپس می فرمود: «أنت قَيِّمُ السموات والأرض»؛ یعنی: تو کسی هستی که آنها را از عدم آفریدی و آنها را راست و استوار نمودی و تو خالق، رازق، مالک، مدبر، زنده کننده و میراننده هستی. «ولك الحمدُ أنت رب السموات والأرض ومن فيهنَّ»؛ یعنی: تو مالک آن دو و محتویات آنها هستی و با خواست خود در آنها تصرف می نمایی و تو کسی هستی که آن دو را از عدم بوجود آوردی. پس فرمانروایی برای توست و هیچکس با تو شراکتی نداشته و تدبیری در این امور ندارد. تو با برکت و بلند مرتبه ای. «ولك الحمدُ أنت نورُ السماوات والأرض ومن فيهنّ»؛ از جمله صفات الله متعال این است که الله نور است و با نور از مخلوقاتش حجاب نموده است و اوست که آسمان ها و زمین را منور می گرداند و اهل آسمان ها و زمین را هدایت می کند. پس نباید صفت نور را از الله متعال نفی نمود یا تاویل کرد. «أنت الحقُّ»؛ حق یکی از نام ها و صفات الله متعال است؛ و او در ذات و صفاتش حق است؛ و او واجب الوجود است و صفاتش کامل و تمام مدح ها برای اوست. وجودش از لوازم ذات اوست و وجود اشیا وابسته به اوست. «وقولُك الحقُّ»؛ آنچه فرموده ای، راست، حق و عدل است و باطل نه از روبرو، نه پشت سر؛ نه در اخبارش، نه در حکم و تشریع او و نه در وعده و وعیدش راه ندارد. «ووعدُك الحقُّ»؛ یعنی: خلف وعده نمی کنی و هر وعده ای داده ای، چنانکه وعده نمودی محقق خواهد شد و تبدیل و تغییری در آن نخواهد بود. «ولقاؤك حقٌّ»؛ یعنی: بندگان ناگزیر تو را ملاقات خواهند کرد و تو آنها را در برابر اعمال شان جزاء خواهی داد. و لقاء متضمن دیدن الله متعال است. «والجنةُ حقٌّ، والنارُ حقٌّ»، یعنی: ثابت و موجود هستند؛ چنانکه خبر داده ای، برای بهشتیان و دوزخیان آماده شده اند؛ و آن دو سرزمین بقا هستند و بازگشت بندگان به سوی آنها است. «والساعةُ حقٌّ»؛ بدون

تردید قیامت خواهد آمد و قیامت پایان دنیاست و مبدا آخرت. «اللهم لك أسلمتُ»؛ حکمت را تنفیذ نموده و به آن تسلیم و راضی شدم. «وبك آمنت»؛ تو و آنچه را نازل کرده ای تصدیق نمودم و به مقتضای آن عمل کردم. «وعليك توكلت»؛ به تو اعتماد کردم و امورم را به تو سپردم. «وإليك خاصمت»؛ به برهان ها و دلایل روشنی که به من دادی علیه دشمن استناد نمودم و بر او غالب شدم. «وبك حاكمت»؛ یعنی هرکس را که از پذیرش حق سر باز زد و انکارش کرد، به تو سپردم و تو را میان خودم و او داور قرار دادم و از داوری هر طاغوتی و از قوانین وضعی یا از کاهنان و غیره که معمولا انسان ها داوری را نزد ایشان می برند دوری گزیدم. «فاغفر لي ما قدَّمتُ وما أخَّرتُ، وأسررتُ وأعلنتُ، وما أنت أعلم به مني»؛ یعنی: گناهانی که قبلا انجام داده و یا بعدا مرتکب می شوم، بیامرز؛ گناهانی که دیگران دیده اند یا از چشمان آنها پنهان مانده و جز تو کسی نمی داند، همه را بیامرز. و در پایان دعا می فرماید: «لا إلهَ إلا أنت»؛ پس جز تو رو به کسی نمی کنم زیرا هر معبودی جز تو باطل است و دعوتش گمراهی و وبال؛ و این همان توحیدی است که رسولان آورده و الله متعال بر بندگانش فرض نموده است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8285